**دوازده سال در قاهره**

**نشأت، قمر**

از خصایص نیل آنست که برخلاف بیشتر رودهای عالم از جنوب بشمال جریان دارد میتوان بی‏تکلف از دو سوی یعنی با جریان آن و بعکس جریان آن کشتی‏رانی نمود و هیچگاه سیل و گرداب در آن پدیدار نمیشود و همواره در وقت معین و میزان معین آبش زیاده‏ و نقصان میباید،بطوریکه می‏توان از روی ساعت و دقیقه کمی و فزونی آنرا پیش‏بینی نمود. هنگام بهار که آب نیل افزایش مییابد رسوبات فراوانی را از گل‏لای بطرفین ساحل میریزد و موجب حاصل‏خیزی و استعداد زمین برای کشت و زرع میگردد.

از رود نیل چگونه‏ استفاده میشود

اندیشهء استفادهء از رود نیل برای آبیاری کشت‏وزرع از دیرگاه و تا جائی که بقول«استاد نشأت»«تاریخ مصر گواهی میدهد همواره‏ نصب العین ساکنان دورهء نیل بوده و در عهد باستان بوسیلهء درهء حوضها و استخرها و تالابهای وسیعی که اینسو و آنسوی نیل حفر میگردند کشتزارها و باغستانهای خود را آبیاری مینمودند ولی پس از آنکه درهء نیل در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی قرار گرفته به‏ پیروی از نیات داریوش کبیر و ابتکارات خلاقه‏ای که آن رهبر جهانی وآبادی دوست در احداث جدولها یعنی رودهای مصنوعی برای آبیاری داشت مقرر شد که جدولها و رودهای‏ مصنوعی متعددی در طرفین نیل حفر نمایند و از این رهگذر کار آبیاری این سامان نسبت‏ بگذشته آسان و به وسعت دامنهء زمینهای مزروعی چندین‏بار افزوده شد و این روش تا حال هم‏ در کشور مصر پیروی میشود و آبیاری نواحی دور افتاده از نیل با این ترتیب بعمل میآید.

این رودهای مصنوعی را در مصر اکنون ترعه مینامند و از جنوبی‏ترین بخشهای آن‏ سرزمین تا شمال آنجا را بوسیلهء آنها آبیاری مینمایند.

پس از استیلای فرانسویان به مصر که بسال 1800 میلادی بفرماندهی ناپلئون بناپارت‏ صورت گرفت اندیشهء احداث سدهای آب جزءنقشه‏هائی که برای اصلاح شئون مختلف دوره‏ نیل پیش‏بینی شده بود در نظر گرفته شد.ولی در آن هنگام اقدامی در این‏باره بعمل نیامد. یک قرن بعد مهندس«ویلککس» wilcox (که سد فرات را نزدیک کربلا نیز ساخته)از طرحهای پیش‏بینی شده مهندسان فرانسوی استفاده نمود و سرزمین مصر از چندین سد بزرگ‏ که مهم‏ترین آنها چنانکه پیش گذشت سد«اسوان»در جنوب و«قناطر الخیریه»در نزدیکی شهر قاهره است بهره‏مند گردید و بالاخره سد«عالی»که مجملی در وصف آن گذشت احداث شد.

رود نیل در نظر پیشینیان

رود نیل در نظر پیشینیان یعنی مصریان قدیم منزلتی رفیع داشته و در ردیف خدایانش میشمردند و منبع رزق و سرچشمهء برکت میدانستند همواره میکوشیدند احترام نیل را تا سرحد امکان رعایت نمایند و خویشتن را از خشم او مصون دارند.وقتی آب نیل فزونی می‏یافت جشنی برپا مینمودند و آنرا «وفاء النیل»مینامیدند و در آنروز یکی از دوشیزگان زیبا را با جامه‏های پربها و زینت و آرایش‏ تمام با سازوآواز و رقص و کرنا و دهل روبساحل نیل میبردند و او در زورقی مینشاندند و بوسط آب میبردند و بعمق رود میافکندند تا بدین واسطه رضا و خشنودی نیل حاصل شود و مردم‏ را از برکات خود بی‏بهره نگرداند.

این سنت دیرینهء عجیب ظاهرا تا سال شانزده هجری که مصادف با فتح مصر بدست‏ مسلمانان و بفرماندهی عمرو بن عاص بوده است ادامه داشت،ولی فاتح مزبور بحکم اینکه‏ اسلام اجازه نمیدهد کسی را بیجهت از زندگانی محروم سازند اجازه نداد که این رسم بقرار سابق معمول باشد و چون بومیان مصری که ترک این سنت را منافی آسایش حال خود میشمردند اصرار ورزیدند لذا عمرو بن عاص از خلیفه عمر بن الخطاب کسب اجازه نمود و خلیفه در پاسخ‏ او نوشت:«چون اسلام عادات گذشته دیگران را نسخ و ابطال نموده لذا از ادامهء این امر باید خودداری کنند و بجای آن هنگام فزونی آب نیل نامه‏ای که متضمن نام خداوند و استمداد از فیوضات رحمت او باشد در نیل بیفکنند-تا باین واسطه رحمت حق شامل حال شود و برکات‏ نیل دوام بیابد.

ولی چون خودداری از اجرای عادت مرسوم برای مصریان آن دوران که گمان میکردند اگر این رسم را متروک دارند خشم نیل آنان را نابود خواهد ساخت امکان نداشت لذا مقرر داشتند بجای آن دوشیزه تمثالی از چوب درست کنند و آنرا چنان بیارایند که در دیده بینندگان بانوی‏ زیبای دلارائی و رعنائی جلوه کند.از آن تاریخ رسمی برقرار کردند که هر ساله مجسمهء زیبا از دختری باسم«عروس النیل»بسازند و در نیل بیفکنند و این کار در روزی از ماه قبطی قدیم که‏ برابر با نوزدهم مرداد ماه فارسی است انجام میشد.

ولی اینروزها این رسم نیز موقوف گردیده و تنها بجشنی بنام«وفاء النیل»اکتفا میکنند.

رود نیل در نظر جهانگردان و جغرافی‏ نویسان اسلامی

این طبقه از دانشمندان رود نیل را بر همه رودهای جهان برتری داده‏ و معتقدند هیچ رودی در عالم وجود ندارد که در آن واحد منبع انواع‏ فیوضات و برکات بوده و زیان‏وضرری که سایر رودخانه‏ها گاهگاه‏ بجان‏ومال مردم میرسانند نداشته باشد.عامه مردم معتقد بودند که‏ این رودخانه‏ها بقدرت خداوند لایزال از بهشت سرچشمه میگیرد و با چهار رود دیگر که عبارت‏ از،سیحون و جیحون و دجله و فرات باشد پنج رود مقدس جهان را تشکیل میدهد.

یاقوت حموی که بزرگترین جهانگرد و جغرافی‏نویس دنیای اسلامش باید شمرد در در کتاب پربهای معجم البلدان خود آورده است که در ازای مجرای نیل در خاک مصر یکماه،و در خاک«نوبه»و«سودان»دو ماه،و در سرزمین شرک یعنی نواحی جنوب سودان تا خط استوا چهار ماه میباشد پس روی این حساب طول مسافت مجرای نیل از سرچشمه تا مصب آن باندازهء هفت ماه را خواهد بود.

یاقوت از رود نیل عجایبی نقل کرده میگوید:نظم دقیق جریان و اوقات زیاده و نقصان آن بدقت بر همه معلوم است و حتی میدانند که در چه روز و ساعتی آب نیل بالا میآید و در ظرف چه‏ مدتی در زیادتی میماند و چه وقت رو به نقصان مینهد.

و از عجایب دیگری که از نیل مینگارد همانا نهنگهای هولناکی است که در همه‏جا مخصوصا در بخش جنوبی یعنی سرزمینی که در مرزبوم سعید-بخش جنوبی مصر-جریان دارد وجود دارد.این نهنگ‏ها را تمساح مینامند که عظمت جثه و درازی طول آنها احیانا به شانزده‏ گز میرسد و دهانشان بقدری فراخ است که میتواند بآسانی حیوان بزرگ یا انسانی را ببلعند.لذا مردم آن سامان از شناوری در آب نیل بقدر امکان خودداری مینمایند.آب نیل‏ باوجودیکه طبعا گواراست تا تصفیه نشود نمیتوان آنرا آشامید.نویسندهء گمنام کتاب حدود العالم‏ من المشرق الی المغرب(372 هجری)و همچنین حکیم ناصر خسرو علوی داستانهای جالبی دربارهء رود نیل و کشور مصر نوشته‏اند که بهتر است خوانندگان گرامی آنها را مستقیما مطالعه فرمایند.

مقام نیل در نزد ایرانیان

رود نیل حیثت خاصی در نزد ایرانیان بویژه در عهد شاهنشاهی‏ هخامنشی داشته و در اهمیت آن همین بس است که بقول«آکتریاس»1 پزشک یونانی شهریاران ایران یکی از افتخارات خود را وجود هفت رود بزرگ در قلمرو خویش میشمردند که همواره بدانها میبالیدند و آنها را رمز قدرت و عظمت و وسعت قلمرو شاهنشاهی خود میشمردند.این هفت رود عبارت از سیحون و جیحون و دجله و فرات و نیل و دانوب و رود سند بوده است که آب آنها را در هفت ظرف بلورین سربسته‏ در خزاین شاهی نگاه میداشتند و سفرائی که بدربارشان بار می‏یافتند از آنها دیدن میکردند. در پایان شایسته بنظرم رسید که گفتگوی از نیل را باین بیت ساده که در یادداشتهای‏ (استاد نشأت)دیده‏ام خاتمه دهم.

می نگویم که نیل چون گنجست‏ بلکه گویم که گنج بی‏رنجست‏ مینماید باهل مصر کرم‏ صحت و عافیت نعیم و نعم

رود نیل مصریان را از باران بی‏نیاز مینماید

چون دامنه سخن باینجا کشید شاید بی‏مورد نباشد که بقول استاد نشأت گفته شود«سرزمین مصر باستفادهء از طبیعت آب و هوا و برکتی‏ که از رود نیل بهره‏مند گردیده دور نیست یگانه اقلیمی در عالم باشد که در کشاورزی و امر زراعت خود هیچ حاجتی بیاران نداشته باشد و حتی مردم آن کمتر علاقه‏ای هم بریزش باران از خود نشان ندهند و برعکس از باران‏ اظهار بیزاری و گاهی نفرت بنماید».زیرا اولا وضع ساختمان منزلها و طرز خیابان‏بندیها طوری نبوده است که برای پیش‏گیری از جریان آبهای باران و روانه شدن سیلاب در راهها و معابر قبلا پیش بینیهائی شده باشد لذا بر اثر باران کمی همه‏جا آلوده بگل‏ولای میگردد و عبورومرور دشوار و ناراحت کننده میشود.از سوی دیگر وضع خاک در صحراهائی که دور از رود نیل باشد طوریست که اگر مدتی طولانی هم باران ببارد هیچ تأثیری حتی در ایجاد روئیدنیها و سبزیهای طبیعی در آنها نخواهد داشت و روی این دو جهت است هیچگاه فرد مصری انتظار نزول باران را که هیچ اثر مثبتی در زندگانی او تولید نمیکند و بعلاوه موجب‏ زحمت او هم میگردد،ندارد،و مانند سایر کشورها که غالبا زارعین آنها منتظر نزول باران‏ رحمت یا باصطلاح معروف آسمان فکر هستند نمیباشند. (1)- actezlas